

دیپلماسی اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی

هاشم قادری^۱

احمد بخششی^۲

چکیده

ترکیه در دو دهه اخیر حضور خود را در کشورهای آسیای مرکزی تثبیت کرده و نقش فعالانه‌ای در عرصه سیاسی و اقتصادی آن به خود اختصاص داده است. این کشور به واسطه پیوندهای فرهنگی و قومی و همچنین بازسازی ساختاری اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی، توانست نفوذ اقتصادی خود را در این کشورها گسترش دهد. هدف از پژوهش حاضر بررسی اهداف و پیامدهای حضور ترکیه در آسیای مرکزی بر مبنای دیپلماسی اقتصادی است. سؤال پژوهش حاضر اهداف و پیامدهای حضور ترکیه در آسیای مرکزی است و برای پاسخ به سؤال، این فرضیه را به محک آزمون می‌گذاریم که ترکیه برای عقب نماندن از ایران و روسیه، با ایجاد کشورهای ترک‌زبان در صدد نفوذ سیاسی، امنیتی و فرهنگی خود در کشورهای آسیای مرکزی است. روش گردآوری داده‌ها روش اسنادی، راهبرد پژوهش قیاسی، روش تحقیق ردیابی فرآیند و ملهم از ادبیات مربوط به دیپلماسی اقتصادی در نظریه واقع‌گرایی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هدف ترکیه از پیشبرد دیپلماسی اقتصادی در آسیای مرکزی، رقابت با ایران و روسیه، ایجاد شورای کشورهای ترک‌زبان، تغییر موقعیت ژئوپلیتیکی، تنوع‌بخشی به دریافت انرژی، همکاری نظامی، تأمین امنیت است.

▪ واژگان کلیدی:

ترکیه، دیپلماسی اقتصادی، آسیای مرکزی، امنیت، انرژی.

درجه مقاله: علمی- پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۷/۲۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۹/۱۰

۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
hashemghaderi70@gmail.com

۲ دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بیرجند، خراسان جنوبی، ایران bakhshi@birjand.ac.ir

مقدمه

اخیراً توجه جامعه جهانی به آسیای مرکزی معطوف شده است. این امر عمدتاً به دلیل رویدادهایی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم مانند به قدرت رسیدن طالبان، وضعیت قزاقستان، تشدید فعالیت‌های سازمان پیمان امنیت جمعی و غیره به آسیای میانه مرتبط است. آسیای مرکزی از نظر استراتژیک برای امنیت و ثبات منطقه یورو - آتلانتیک مهم است. منابع انرژی این منطقه برای امنیت انرژی جهانی حیاتی و مرکز اصلی خطوط لوله گاز و نفت و همچنین کریدورهای تجاری است. جمهوری‌های آسیای مرکزی در طول چندین سال استقلال خود، به پیشرفت‌های اساسی در بسیاری از زمینه‌ها، به ویژه در تحکیم حاکمیت، نهادینه‌سازی ساختارهای دولتی و بهبود سطح همگرایی با جهان، دست یافته‌اند.

استقلال کشورهای آسیای مرکزی از اتحاد جماهیر شوروی باعث شد تا کشورهای منطقه و فرامنطقه به سرعت دامنه نفوذ خود را بر این منطقه بگسترانند و چتر حمایتی خود را پهن نمایند. در این میان ترکیه جزو اولین کشورهای بود که کشورهای آسیای مرکزی را به رسمیت شناخت و روابط اقتصادی خود را به سرعت با آنان توسعه بخشید. تحولات شگرف جهانی، منطقه‌ای و داخلی در چند دهه اخیر، موقعیت ترکیه را دگرگون کرده و آن را از یک کشور درحال توسعه دارای اهمیت استراتژیک برای غرب به قدرتی منطقه‌ای با تمایلات بلندپروازانه در خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز تبدیل کرده است. اگرچه ترکیه دیگر اهمیت استراتژیک دوران جنگ سرد را برای غرب ندارد، اما سیاست‌گذاران این کشور نقشی جدید برای آن آفریده‌اند، نقشی درخور یک قدرت منطقه‌ای با توان اقتصادی-امنیتی قابل توجه و همسو با سیاست‌های کلی دنیای غرب که می‌تواند با تکیه بر اقتصاد و روابط ویژه با جمهوری‌های آسیای مرکزی برقرار کند.

نیل به مقاصد سیاسی، امنیتی و اقتصادی همواره از مهم‌ترین اهداف کشورها در تدوین و اعمال سیاست خارجی‌شان بوده است. با توجه به این که دیپلماسی به‌عنوان مهم‌ترین ابزار سیاست خارجی به شمار می‌آید برای تحصیل این مقاصد کشورها عمدتاً و به طور سنتی، نوعی دیپلماسی مبتنی بر رویکردها و ابزارهای سیاسی، نظامی و اقتصادی در پیش می‌گیرند. دولت ترکیه با آگاهی و شناخت کامل از وضعیت کشورهای آسیای مرکزی، دست به پیشبرد دیپلماسی اقتصادی زد چرا که به خوبی می‌دانست از طریق اقتصاد به راحتی می‌تواند دامنه نفوذ خود را در این کشورها گسترش دهد و دولت‌های آسیای مرکزی نیاز مبرمی برای بازسازی اقتصاد خود در دوران پساشوروی دارند. از این رو، اقدام به برقراری دیپلماسی اقتصادی با

کشورهای آسیای مرکزی نمود. با این حال، برخی پیشبرد دیپلماسی اقتصادی ترکیه را ناشی از ضعف وضعیت اقتصادی ترکیه و رونق بخشیدن به آن می‌دانند و برخی دیگر آن را به‌عنوان پوششی در جهت نیل به مقاصد سیاسی و اقتصادی بر می‌شمارند. از این رو، تصویری شفاف و روشن از آن در دست نیست و مسأله پژوهش ناظر به همین وضعیت مبهم و نامعلوم از علل اتخاذ دیپلماسی اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی است.

در خصوص پیشینه پژوهش می‌توان نوشته‌های موجود را به چند دسته تقسیم کرد: اول: پژوهش‌هایی که به سیاست خارجی ترکیه اشاره داشته‌اند. به‌عنوان مثال توان کارهای زیر را برشمرد. هاکان فیدان^۱ (۲۰۰۲) در مقاله خود با عنوان «سیاست خارجی ترکیه در قبال آسیای مرکزی» به این نتیجه دست یافت که سیاست خارجی در پیش گرفته شده توسط نخبگان حاکم در ترکیه، همه تحولات و روندهای مربوط به آسیای مرکزی که به نحوی ترکیه در آن تعلق دارد، دنبال می‌نماید. لورا باتالام آدام^۲ (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست خارجی ترکیه در دوره‌ی عدالت و توسعه؛ آیا تغییری در محور رخ داده است؟» به این نتیجه می‌رسد که سیاست خارجی ترکیه از غرب‌محوری به شرق‌محوری در حال سوق دادن است و در این میان، کشورهای آسیای مرکزی دارای جایگاهی حیاتی برای این کشور هستند. این دست از آثار تمرکز خود را بر سیاست خارجی ترکیه، اصول آن و روابط با کشورهای مختلف از جمله آسیای مرکزی می‌کنند.

دوم: کارهایی که به دیپلماسی اقتصادی ترکیه در مناطق مختلفی از جهان اشاره دارند. کارهای زیر در این زمره قرار دارند. شاهین والی (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان «دیپلماسی اقتصادی و مالی ترکیه» به این نتیجه می‌رسد که سیاست اقتصادی و خارجی ترکیه از این جهت جدید است که نقش نخبگان تجاری را افزون کرده و کارآفرینی دیپلماتیک آنان را در عرصه پیشرفت اقتصادی بسیج می‌کند.

مهمت اوگوتچو^۳ و ریموند سانر^۴ (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان «تنظیم دقیق دیپلماسی اقتصادی ترکیه» به این نتیجه دست یافتند که ترکیه اقتصاد را از اجزای اصلی و کلیدی سیاست خارجی و دیپلماسی می‌داند و همه ارکان دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی آن، باید با چشم‌انداز اقتصادی، اهداف دولت متبوع خود را محقق سازند.

۱ Hakan Fidan

۲ Laura Batalla Adam

۳ Mehmet Ögütçü

۴ Raymond Saner

جلال میرزایی، مهدی عباسزاده فتح‌آبادی و صیاد صدری علی بابالو (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «ابعاد و دستاوردهای دیپلماسی اقتصادی ترکیه از سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳» به این نتیجه می‌رسند که بررسی روند تحولات این کشور نشان می‌دهد که دولت اسلام‌گرا توانسته است برخی موانع توسعه و رشد اقتصادی را از پیش‌رو بردارد و در یک دوره گذار به سمت توسعه‌یافتگی حرکت کند. عامل اصلی در این حرکت، برنامه‌ریزی برای رشد تولید داخل به منظور صادر به خارج بوده است و توانسته دیپلماسی اقتصادی فعالانه‌ای در پیش بگیرد که ابعاد آن شامل حل مشکلات با همسایگان، بهره‌گیری از نخبگان اقتصادی، ارائه راهنمایی به شرکت‌های خصوصی حضور مؤثر در سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی می‌شود.

احمد جانسیز و عماد اصلانی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «دیپلماسی اقتصادی ترکیه در آفریقا؛ اهداف، راهبردها و نتایج» به این نتیجه دست یافتند که تحولات ترکیه از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۸ باعث شده است تا مقامات و سیاست‌گذاران این کشور خود را در دوران متلاطمی از بحران‌های اقتصادی، رکود و انباشت تورم می‌دیدند، سعی در بازبینی اصول کمالیست در ترکیه داشته باشند. بر همین اساس پایه‌های اصلی دیپلماسی ترکیه از یک راهبرد غرب‌گرایانه به یک راهبرد دیپلماسی سیال بر پایه اقتصاد تغییر یافت و آفریقا به عنوان بخش لاینفکی از سیاست دیپلماسی اقتصادی این کشور بدل شد.

دسته سوم از آثار به بررسی دیپلماسی اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی پرداخته‌اند که از جمله می‌توان به کار رحمت حاجی مینه و مریم نوری (۱۴۰۱) در مقاله‌ی «دیپلماسی اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی در دوران حزب عدالت و توسعه در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰» اشاره کرد که در آن به این نتیجه می‌رسند که دیپلماسی اقتصادی ترکیه در منطقه آسیای مرکزی در دوره حزب عدالت و توسعه را می‌توان با شش شاخص دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی دولت توسعه‌گرا تبیین کرد که عبارت‌اند از: ۱. رشد تجارت بر اساس راهبرد توسعه صادرات؛ ۲. جذب سرمایه‌گذاری و سیاست پیمانکاری خارجی؛ ۳. موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد و ترجیحی؛ ۴. ارتباط هماهنگ با حداکثری؛ ۵. تعامل مثبت با نهادهای اقتصادی بین‌المللی؛ ۶. ایجاد تصویر مثبت. آثار مذکور با آنکه درخور توجه هستند اما با این پژوهش تفاوت چشمگیر دارند. این آثار به بعد غیراقتصادی دیپلماسی ترکیه توجه نکرده‌اند و بیشتر در سطح نظری و یا سیاست خراجی باقی مانده‌اند، در حالی که این اثر کوشیده است تا اهداف پنهان و آشکار ترکیه را از پیشبرد دیپلماسی اقتصادی نشان دهد.

ادبیات نظری: در ادبیات کنونی روابط بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم که تحت تأثیر جریان‌های غالب «رنالیسم دولت‌محور» و با تمرکز بر مسائل سیاسی و امنیتی بود، دیپلماسی اقتصادی به‌عنوان بخشی از جریان اصلی نظریه مطرح شده است. دیپلماسی از پنجره سیاست قدرت، نگاه واقع‌گرایانه به دیپلماسی اقتصادی مبتنی بر قدرت است. یعنی هر فعالیت اقتصادی که صورت می‌گیرد باید در جهت افزایش قدرت کشورها باشد. بنابراین، تمرکز اصلی واقع‌گرایان، خود فعالیت اقتصادی نیست، بلکه فعالیت اقتصادی به‌عنوان ابزاری برای افزایش قدرت است. این یک هدف نیست، یک ابزار است (Guzzini, 2013: 21). در رویکردهای واقع‌بینانه، دیپلماسی اقتصادی به معنای تأمین امنیت و منافع اقتصادی دولت‌ها در یک نظام بین‌المللی آنارشیک است که بر عهده دولت‌ها می‌باشد. این دیدگاه نشان می‌دهد که اقتصاددانان جریان واقع‌گرایی عموماً نسبت به دیپلماسی اقتصادی و اثربخشی ابزارهای آن بدبین هستند (Bergijk & Moons, 2013: 6).

مطالعات و تحلیل‌های سنتی درباره نقش دیپلماسی در روابط بین‌الملل بر برنامه‌های سیاسی دولت محور تأکید دارند. در نتیجه، بسیاری از ادبیات رایج در مورد این رویکرد، مسائل اقتصادی را دست کم می‌گیرند و نمی‌توانند روندهای کلیدی بین‌المللی مانند توسعه و جهانی شدن را توضیح دهند. با این حال، تحولات بین‌المللی در دوره پس از جنگ جهانی دوم، به‌ویژه از دهه ۱۹۷۰، تحت تأثیر عوامل متعدد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی قرار گرفته است که هیچ‌کدام به‌اندازه روندها و ساختارهای اقتصاد جهانی تأثیرگذار نیستند. رئالیست‌ها بازیگران اصلی عرصه بین‌الملل را دولت‌هایی می‌دانند که به فکر امنیت خود هستند، در راستای منافع ملی خود عمل می‌کنند و برای قدرت مبارزه می‌کنند. جنبه منفی تأکید رئالیست‌ها بر قدرت و منفعت شخصی، اغلب تردید آن‌ها در مورد ارتباط هنجارهای اخلاقی با روابط بین‌دولت‌ها است. سیاست ملی قلمرو اقتدار و قانون است، در حالی که، آن‌ها گاهی ادعا می‌کنند، سیاست بین‌الملل؛ حوزه‌ای بدون عدالت است که با درگیری فعال یا بالقوه بین دولت‌ها مشخص می‌شود (Guzzini, 2017: 10). این نظریه، دیدگاهی از سیاست بین‌الملل است که بر جنبه رقابتی و متضاد آن تأکید می‌کند. و معمولاً در تقابل با ایده‌آلیسم یا لیبرالیسم قرار می‌گیرد که بر همکاری تأکید دارد. لیبرال‌ها وابستگی متقابل اقتصادی را برجسته کرده‌اند تا نشان دهند همکاری در روابط بین‌الملل چقدر رایج است و می‌تواند باشد. با تعقیب گرایش سنتی لیبرالیسم تجاری، لیبرال‌ها استدلال می‌کنند که هرچه تولید تخصصی‌تر و کارآمدتر شود و شبکه‌های تجاری متنوع‌تر و پیچیده‌تر شوند، استخراج سیاسی (مثلاً جنگ و تحریم) مخمل‌تر می‌شود. بعلاوه، از آنجایی که دولت‌ها بازیگران منطقی بوده و به دنبال به حداکثر

رساندن منافع رفاه مطلق هستند، مزایای گسترش تجارت باعث تقویت صلح و بازدارندگی آن‌ها از جنگ خواهد شد (Barth, 2000: 16).

واقع‌گرایان مخالفت کرده‌اند که افزایش تجارت به معنای اصطکاک، اختلاف و تنش بیشتر است و گسترش وابستگی متقابل باعث آسیب‌پذیری فزاینده می‌شود. به نظر آنان دولت‌ها در واقع بازیگران منطقی هستند، اما به دنبال به حداکثر رساندن دستاوردهای امنیتی نسبی به جای منافع مطلق رفاهی هستند. بنابراین، آن‌ها برای اینکه بعداً از آسیب‌پذیری احتمالی فرار کنند یا از دسترسی مداوم به مواد و کالاهای ضروری اطمینان حاصل کنند، جنگ را آغاز می‌نمایند. علاوه بر این، رشد اقتصادی کشورها را قادر می‌سازد، هم توانایی‌های نظامی قوی‌تری را توسعه دهند و هم از قدرت اقتصادی برای تهدید سایر دولت‌های وابسته به خود استفاده کنند. از این رو، وابستگی متقابل اقتصادی به جای همکاری بیشتر به معنای درگیری بیشتر است (Bergeijk & Moons, 2013: 8).

همچنین ریشه درک واقع‌گرایان از عملکرد و هدف، دیپلماسی اقتصادی است. اگر دیپلماسی به بازیگران دولتی و منافع دولتی گره خورده باشد، دیپلماسی اقتصادی به استفاده از ابزارهای دیپلماتیک سنتی برای دستیابی به اهداف اقتصادی دولت محدود می‌شود. در این چارچوب واقع‌گرایانه دولت‌محور، دیپلماسی اقتصادی عمدتاً بین دولتی است که توسط مقامات خدمات خارجی انجام می‌شود و ابزاری برای پیشبرد منافع اقتصادی دولت در کشورهای خارجی و اقتصاد جهانی است. بدین ترتیب در دیدگاه مرسوم دیپلماسی اقتصادی، یک رابطه سازنده بین دیپلماسی و حاکمیت دولت، و همچنین یک رابطه سازنده بین سیستم‌های دیپلماتیک و یک نظام آنارشی از دولت‌های مستقل دیده می‌شود (Galston, 2010: 390).

به طور کلی دیپلماسی (از جمله دیپلماسی اقتصادی) وسیله‌ای است که دولت‌ها از طریق آن سیاست‌های خارجی خود را دنبال می‌کنند. دیپلماسی اقتصادی به دنبال تأمین امنیت اقتصادی در یک سیستم بین‌المللی آنارشی است. مروری کوتاه بر محتوای کتاب‌های اصلی دیپلماسی نشان می‌دهد که دیپلماسی اقتصادی به طور کلی به عنوان استفاده از ابزارهای دیپلماتیک سنتی مانند جمع‌آوری اطلاعات، لابی‌گری، نمایندگی، مذاکره و حمایت برای پیشبرد سیاست‌های اقتصادی خارجی دولت تعریف می‌شود. در بازی قدرت، پایان دیپلماسی اقتصادی همان دولت‌سازی اقتصادی است که استفاده استراتژیک از تحریم‌های اقتصادی مثبت و منفی مانند تحریم‌های تجاری و همچنین برنامه‌های کمکی توسط دولت‌ها و سایر بازیگران مانند سازمان ملل می‌باشد. بنابراین دیپلماسی اقتصادی که به این شیوه واقع‌گرایانه تصور می‌شود، به دستور کار اقتصادی در دیپلماسی مربوط است که می‌تواند از دستور کار سیاسی

متمایز شود. این امر، شامل نوع دیگری از دیپلماسی یا مجموعه متفاوتی از بازیگران دیپلماتیک می‌شود و مفاهیم مشابهی مانند دیپلماسی تجاری نیز در آن کاربرد دارند (Berridge and James, 2003: 91).

روش تحقیق: روش این پژوهش روش ردیابی فرایند است. ردیابی فرایند^۱ تکنیکی است که در آن تحلیل‌گر کیفی تلاش می‌کند، مکانیسم‌های علی را مشخص کند که متغیر تبیینی را به یک پیامد یا معلول پیوند می‌دهد. روش ردیابی فرایند برای شناسایی سلسله‌علتهایی که به شکل زنجیره‌ای از مکانیسم‌های علی بین یک متغیر مستقل (متغیرهای مستقل) و نتیجه متغیر وابسته است تلاش می‌کند. تجزیه روابط علت و معلولی به پیوندهای خردتر که توسط پژوهش‌گر قابل مشاهده باشد، از عمده کارویژه‌های ردیابی فرایند است (طالبان، ۱۳۸۷: ۹۶). در خصوص تحلیل اهداف و پیامدهای حضور ترکیه در آسیای مرکزی به‌کارگیری این تکنیک معطوف به بیان جزئیات وقایع بین‌المللی و سیاست جهانی است که منجر به اتخاذ سیاست فعالانه از سوی ترکیه جهت حضور در آسیای مرکزی شده است. این تکنیک در مطالعات موردی در پژوهش‌های کیفی بر این پیش‌فرض استوار است که مطالعه تبیینی یک پدیده‌ی خاص (اهداف و پیامدهای دیپلماسی اقتصادی ترکیه) نیازمند درک فرایند وقوع و ردیابی توالی علی سلسله‌اتفاقاتی است که به دنبال هم رخ داده‌اند. بدین ترتیب برای تبیین یک واقعه خاص باید آن را در یک پیوستار علی دید و مراحل گوناگونی که پشت سر هم رخ داده‌اند را روشن کرد. در ادامه تلاش می‌شود بر مبنای چارچوب نظری و روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش، به یافته‌ها اشاره گردد.

یافته‌های پژوهش: تحولاتی که باعث شد تا ترکیه وارد آسیای مرکزی شود، شامل سلسله رویدادها و حوادثی است که به این کشور اجازه داد تا عرصه دیپلماسی اقتصادی خود را فعال نماید و اهداف پنهان و آشکار خود را دنبال کند. ترکیه به لحاظ فرهنگی، زبانی و قومی با کشورهای آسیای مرکزی پیوند دارد. در طول تاریخ، روابط اقتصادی میان ملت‌های دو طرف نیز حاکم بوده است. در دوره جدید، کشورهای آسیای مرکزی تا سال ۱۹۹۱ تحت حکومت اتحاد جماهیر شوروی بودند. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال کشورهای آسیای مرکزی از آن مهم‌ترین عوامل برای ترکیه بود. کشورهای آسیای مرکزی که تازه از یوغ

امپراتوری شوروی رهایی یافته بودند، به دنبال الگویی مطلوب برای بازسازی اقتصادی و نظام سیاسی خود می‌گشتند. چندین کشور مورد هدف و نیت رهبران این کشورها از جمله ایران قرار گرفت. اما فشار غرب برای دوری جستن آنان از الگوبرداری از نظام سیاسی ایران و پافشاری بر الگوگیری از نظام سیاسی ترکیه، رهبران ترکیه را وادار ساخت تا برای عقب نماندن از روسیه، ایران و کشورهای دیگر روی به آسیای مرکزی بیاورد.

نامیدی ترکیه از غرب و اتحادیه اروپا و سیاست نگاه به شرق نیز در این امر دخیل بود. همچنین رقابت با روسیه و چین به لحاظ اقتصادی ترکیه را مجاب نمود تا روابط حسنه‌ای با کشورهای آسیای مرکزی برقرار نماند. در واقع دو دهه گذشته شاهد تحولی چشمگیر در نقش ترکیه در آسیای مرکزی بوده‌ایم. اولاً، ترکیه دیگر ایالات متحده و اتحادیه اروپا را به‌عنوان شرکای مهم در آسیای مرکزی نمی‌بیند. ثانیاً ترکیه و روسیه برخلاف دهه ۱۹۹۰ دیگر در منطقه رقیب نیستند. در هزاره جدید، آنکارا نقش هژمونیک مسکو را پذیرفته و همکاری با آن را در آسیای مرکزی انتخاب کرده است. در این میان نقش نخبگان حاکم در ترکیه به ویژه از سال ۲۰۰۲ به بعد حائز اهمیت است چرا که رویکرد اقتصادی و توسعه‌یافتگی ترکیه را سرلوحه رفتار خویش قرار داده‌اند و به دنبال افزایش موقعیت جایگاه منطقه‌ای خود است.

ترکیه از موقعیت ژئوپلیتیکی خود آگاهی کامل دارد. سیاست ورود این کشور به آسیای میانه به‌عنوان بخشی از راهبرد آمریکا که در دهه ۱۹۹۰ میلادی پیگیری می‌شد، دچار ورشکستگی شد. بعد از آن ترکیه متوجه شد که ابزار و توان لازم برای رقابت با کشورهای نظیر روسیه و چین را ندارد و به جای تقابل، ابتدا تعامل و همکاری سپس به صورت رقابت نسبی با آنان روی آورد. چرا که ادامه ستیز و تقابل، هم علیه منافع خود ترکیه و هم علیه منافع این کشورها بود. از این نظر، ترکیه در پی همکاری با کشورهای آسیای مرکزی برای محدودسازی روسیه نیست بلکه برعکس به همکاری با این کشورها به‌عنوان عاملی تسهیلگر در همکاری‌ها با روسیه نگاه می‌کند. یعنی ترکیه همکاری با این کشورها را در راستای کلان پروژه همکاری‌های اوراسیایی خود که در درون خود چین و روسیه و ایران را در برمی‌گیرد، تعریف می‌کند هر چند که رقابت بین کنشگران امری اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. ترکیه با پوشش دیپلماسی اقتصادی اهداف زیر را دنبال می‌کند:

ایجاد شورای همکاری کشورهای ترک: پس از استقلال چندین کشور منطقه‌ای در اوایل دهه ۱۹۹۰، ترکیه تلاش‌های دیپلماتیک قابل توجهی را بر هدف اعلام شده خود برای کمک به "جمهوری‌های خواهر ترک" برای تبدیل شدن به دولت‌های فعال و باثبات که در

سیستم بین‌المللی ادغام شده بودند، متمرکز کرد. زیربنای این تعامل، پیوندهای زبانی، فرهنگی، مذهبی، قومی و تاریخی درک شده با مردمان ترک آسیای مرکزی در قالب دیپلماسی اقتصادی بود. پس از رد عضویت در اتحادیه اروپا در سال ۱۹۸۹، ترکیه امیدوار بود که با ایجاد روابط با این دولت‌های جدید می‌تواند یک جامعه ترکی بسازد که تحت رهبری خودش باشد، مفهومی که تورگوت اوزال، رئیس‌جمهور وقت ترکیه مطرح کرد. این جامعه از نظر اقتصادی و سیاسی به نفع ترکیه است و با ایفای نقش به‌عنوان پلی به سوی جهان اسلام پس از شوروی، سودمندی آنکارا را برای کشورهای غربی نشان می‌دهد. در واقع تعامل و ایده نقش پل ارتباطی ترکیه تا حدی ناشی از تلاش برای یافتن ارزش استراتژیک جدید برای روابط خود با ایالات متحده پس از پایان جنگ سرد بود. علاوه بر این، به‌عنوان ابزاری برای مقابله با نفوذ تصور شده ایران، یک «الگوی ترکی» از سیاست دموکراتیک توسط غرب تبلیغ و به کشورهای آسیای مرکزی ارائه شد (Gurcan, 18 November 2021).

در مرکز این تعامل، وعده و کمک‌های نسبتاً قابل توجهی برای جمهوری‌های جدید بود، که منجر به ایجاد آژانس توسعه و همکاری بین‌المللی ترکیه شد. روند اجلاس سران کشورهای ترک زبان پس از انحلال اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ با مشارکت کشورهای دارای ارتباط زبانی با ترکیه، یعنی آذربایجان در جنوب قفقاز و قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان و قرقیزستان در آسیای مرکزی، به‌عنوان یک مجمع تأسیس شد. هدف اولیه شورای ترک تقویت اعتماد متقابل و همبستگی سیاسی در جهان ترک و تسریع فرصت‌های همکاری اقتصادی و فنی، فراهم کردن روابط انسانی با ساختارهای سالم و ثبت انباشت تاریخی و فرهنگی جهان ترک در حد امکان است. در دهمین اجلاس سران کشورهای ترک زبان در استانبول که در ۱۵ تا ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۰ برگزار گردید، شورای همکاری کشورهای ترک زبان تشکیل شد (پاک‌آیین، ۱۴۰۰).

با ارتقای روابط و همبستگی عمیق‌تر میان کشورهای ترک زبان، هدف آن این است که به‌عنوان یک ابزار جدید منطقه‌ای برای پیشبرد همکاری‌های بین‌المللی در قاره اوراسیا، به‌ویژه در آسیای مرکزی و قفقاز عمل کند. شورای ترک که بر چهار رکن اصلی تاریخ مشترک، زبان مشترک، هویت مشترک و فرهنگ مشترک بنا شده است، خود را به محدوده این اشتراکات محدود نمی‌کند. در عوض، هدف آن گسترش زمینه‌های همکاری دوجانبه موجود مانند اقتصاد، علم، آموزش، حمل و نقل، گمرک، گردشگری و سایر زمینه‌های مختلف بین کشورهای عضو به همکاری‌های چندجانبه به نفع منطقه است. شورای همکاری کشورهای ترک زبان، سازمانی حمایتی برای چندین مکانیسم همکاری میان کشورهای ترک زبان است (ارکان، ۱۳۹۸).

دولت اردوغان اکنون می‌خواهد با برقراری روابط اقتصادی و نظامی نزدیک‌تر با جمهوری‌های ترک در آسیای مرکزی، دستاوردهای خود را پیش ببرد. برای اردوغان، این شورا به‌عنوان ابزاری برای تقویت حضور ترکیه در اوراسیا در بحبوحه روابط ضعیف او با اروپا و ایالات متحده و نگرانی‌های دائمی مبنی بر اینکه ترکیه را از بلوک غرب دور می‌کند، برجسته می‌شود. از نظر سیاست داخلی، هشتمین نشست شورا فرصتی برای اردوغان بود تا خود را به‌عنوان یک رهبر بین‌المللی یا "رهبر جهان ترک" معرفی کند و پایگاه ملی‌گرا و محافظه‌کار خود را جمع کند. هدف ترکیه با اجرای این همکاری‌های متنوع، توسعه روند ملت‌سازی این کشورها و همچنین توانایی آن‌ها برای همکاری با سایر کشورها است. ترکیه با در پیش گرفتن این سیاست‌ها تلاش کرد تا انتظارات کشورهای منطقه را برآورده کند. به‌موجب این روابط متقابل، قزاقستان، قرقیزستان و ازبکستان به‌عنوان شرکای استراتژیک ترکیه نام برده می‌شوند و در عین حال با ترکمنستان و تاجیکستان نیز همکاری اقتصادی و تجاری دارند (حشمتی، ۱۴۰۱).

تعقیب سیاست‌های ایران و روسیه در نگاه به شرق: در منطقه‌ای که از لحاظ تاریخی

به‌عنوان محل رویارویی بین امپراتوری‌های مختلف عمل می‌کرد، روسیه، ترکیه و ایران - همراه با دیگر قدرت‌ها از جمله چین - برای اعمال نفوذ بر آن قلمرو عظیم با یکدیگر رقابت می‌کنند. آسیای مرکزی برای مسکو، از لحاظ تاریخی به‌عنوان یک کمربند امنیتی استراتژیک علیه ایران، افغانستان، پاکستان و چین عمل کرده است. از زمان استقلال، این پنج کشور به دلیل مسائل سیاسی، ارضی، قومی و زیرساختی - یعنی سدها و نیروگاه‌های آبی - از هم جدا شده‌اند. روسیه، ترکیه و ایران سعی کرده‌اند از این عدم ادغام برای اهداف خود استفاده کنند (Trenin, 2002: 189-190).

برای مسکو این امر امکان حفظ نفوذ گذشته را فراهم کرده است. برای تهران، به معنای بهره‌مندی از یک فرصت طلایی اقتصادی همراه با ترویج نسخه ایرانی اسلام شیعه بوده است و برای آنکارا، که هیچ مرز مشترکی با منطقه ندارد، این امر به معنای استفاده از موضوع حساس ریشه‌های قومی مشترک برای دسترسی به منابع طبیعی است. این سه قدرت به خاطر ثروت عظیم هیدروکربنی و معدنی منطقه و همچنین جغرافیای استراتژیک آن جذب شده‌اند. در پس‌زمینه همه این‌ها، خیزش افراط‌گرایی مذهبی و ناسیونالیستی در میان جوانان، همراه با وحشیگری دولت، اقتصاد فلج‌کننده، بیکاری، و مخالفت‌های سرکوب‌شده گسترده دیده می‌شود. در اوایل دوره پس از اتحاد جماهیر شوروی، ترکیه همه شانس‌ها را داشت که سایر رقبای خود در آسیای مرکزی را تحت‌الشعاع قرار دهد، به طوری که تمایلات قومی مردم محلی

نسبت به جمهوری ترکیه قوی بود (Osiewicz, 2021: 186). ترکیه تلاش کرد تا با تبلیغات مذهبی ایران به نفع الگوی اسلامی خود مقابله کند. قدرت نرم ترکیه دموکراسی میانه‌رو و سکولار اسلامی به‌عنوان شکلی از حکومت به سرعت پذیرفته شد، اما از همان ابتدا رنگ‌های مستبدانه مشخصی پیدا کرد. افکار پان‌ترکیسم به طور گسترده در سراسر ترک‌های قومی آسیای مرکزی گسترش یافت و حتی به رسمیت شناخته شد. روابط نزدیک با کشورهای تازه استقلال‌یافته منطقه به آنکارا فرصت‌هایی داد تا توانایی روسیه برای تحکیم موقعیت خود و جلوگیری از گسترش نفوذ ایران را محدود کند و در نتیجه بر اهمیت آن برای غرب تأکید نماید (Rahimi and Heydari, 25 February 2020).

اگرچه چین و روسیه در منطقه دارای نفوذ گسترده‌ای هستند اما ترکیه می‌تواند از اهرم اقتصادی و فرهنگی قابل توجهی که در اختیار دارد، در کنار تمایل کشورهای آسیای مرکزی برای متنوع کردن روابط خارجی خود به دور از مسکو و پکن استفاده کند. ترکیه اخیراً یک تغییر رو به رشد اوراسیایی را در سیاست خارجی خود نشان داده است. رشد اقتصادی چین و وزن رو به رشد ژئوپلیتیکی، بسیاری از کشورهای اوراسیا را بر آن داشته تا سیاست خارجی خود را مجدداً تنظیم کنند. نگاه به شرق به یک هنجار جدید تبدیل شده است و ایران و روسیه شاید برجسته‌ترین نمونه‌ها باشند. گرچه ترکیه عقب مانده است، اما اخیراً شروع به ادغام یک سیاست شرق‌گرا با آرمان‌های ژئوپلیتیکی خود کرده است. آنکارا به امید ایجاد اتحاد با سایر کشورهای ترک زبان: قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان و ترکمنستان، به دنبال گسترش دامنه نفوذ خود به شرق تا آسیای مرکزی است (Tol, 17 February 2022).

تلاش‌ها برای گسترش نفوذ ترکیه به سمت شرق از مرز ۱۱۴ کیلومتری با گرجستان آغاز می‌شود که پایدارترین مسیر زمینی را از ترکیه به دریای خزر و آسیای مرکزی فراهم می‌کند. گرجستان و آذربایجان به‌عنوان سکوی پرشی برای ترکیه از نظر نفوذ به جمهوری‌های ترک زبان هستند. منطق ترکیه برای توسعه کریدور قفقاز جنوبی (راهروی میانی) توسط جغرافیا تعیین می‌شود و تاکنون دستاوردهای زیادی حاصل شده است. این پروژه یک کریدور ریلی را باز می‌کند که آسیای مرکزی را به طور بالقوه به بازارهای اروپایی از طریق قفقاز جنوبی متصل می‌کند. جاه‌طلبی گسترده‌تر ترکیه برای قرار گرفتن خود به‌عنوان یک مرکز ترانزیت انرژی با آرزوی آن برای دستیابی به کشورهای آسیای مرکزی همراه است. خط لوله گاز طبیعی ترانس آناتولی، خط لوله ترانس آدریاتیک و خط لوله قفقاز جنوبی پتانسیل انتقال گاز از آن سوی دریای خزر به اروپا را دارند (Kınık & Çelik, 2021: 173-175). یکی دیگر از مؤلفه‌های جالب چشم‌انداز ترکیه برای حوزه خزر و آسیای مرکزی این است که با استراتژی غرب در قبال

روسیه و این دو منطقه همخوانی دارد. این امر پتانسیل همکاری بین ترکیه و غرب را ایجاد می‌کند. هر دو علاقه‌مند به دریافت گاز ترکمنستان و شکستن «حصار جغرافیایی» آسیای مرکزی برای کاهش وابستگی آن به زیرساخت‌های روسیه – و به طور فزاینده چینی – هستند. نقشه شماره ۱) از این منظر ترکیه و غرب جاه‌طلبی‌های ژئوپلیتیکی مشابه، دارند (Avdaliani, 2021).

نقشه شماره ۱: خط لوله انتقال گاز از آسیای مرکزی به اروپا و بهره‌برداری ترکیه از آن



Source: GISreportsonline.com

تغییر ژئوپلیتیک آسیای مرکزی و موقعیت ترکیه: اخیراً توجه جامعه جهانی به آسیای مرکزی معطوف شده است. بر اساس اطلس انرژی جدید، آسیای مرکزی در یک منطقه استراتژیک واقع شده است که روابط قوی با مناطق همسایه دارد. توسعه آن اولاً به دسترسی به سایر نقاط جهان بستگی دارد. آسیای مرکزی بخش مهمی از نظام سیاسی و اقتصادی جهان است و "در میان سه کشور به اصطلاح بریکس (روسیه، هند و چین) توسط برخی از پویاترین اقتصادهای جهان احاطه شده است. آسیای مرکزی برای قرن‌ها چهارراه اوراسیا بوده و به نوعی یک منطقه استراتژیک است که در عصر جدید اهمیت فوق‌العاده‌ای یافته است (Duarte, 2016: 34-35).

این امر عمدتاً به دلیل رویدادهایی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به آسیای میانه مرتبط است، مانند به قدرت رسیدن طالبان، وضعیت قزاقستان، تشدید فعالیت‌های سازمان پیمان امنیت جمعی و غیره. ترکیه در میان این تحولات به‌ویژه فعال شده است و خود را به‌عنوان موقعیتی قرار می‌دهد. رهبر «جهان ترک» تلاش می‌کند تا به اندازه بازیگران اصلی

غیرمنطقه‌ای مانند روسیه و چین درگیر حوادث شود. اما شروع این فعالیت مصادف با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بود که اهمیت ترکیه را به‌عنوان پایگاه برون مرزی بلوک غرب تضعیف کرد و موضوع گسترش نفوذ ترکیه در کشورهای تازه تأسیس آسیای مرکزی را به منصفه ظهور رساند. الگوی توسعه ترکیه به‌عنوان ابزار کلیدی در این زمینه تلقی می‌شد که ترکیبی از یک نظام سیاسی سکولار دموکراتیک، احترام به ارزش‌های اسلامی، سیاست‌های دولتی با محوریت اجتماعی و اقتصاد بازار است. عامل نزدیکی قومی و فرقه‌ای دولت‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار بود و به‌عنوان استدلالی به نفع ترکیه به‌عنوان نماینده بین‌المللی کشورهای ترک استفاده می‌شد. با این حال، کشورهای منطقه حاضر به ادامه توسعه خود تحت رهبری یک «حاکم» دیگر نبودند و ترکیه مجبور شد خود را به تعاملات اقتصادی، فرهنگی و بشردوستانه با این کشورها محدود کند (Lukyanov, Kulieva & Mironov, 2022).

امروز تلاش‌های ترکیه برای ارتقای جایگاه منطقه‌ای خود در گرو تعمیق همکاری‌های اقتصادی با کشورهای آسیای مرکزی است. آنکارا، آسیای مرکزی را در درجه اول به‌عنوان یک منطقه امیدوارکننده و اطمینان‌بخش برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های حمل و نقل می‌بیند. ایجاد بزرگراه‌ها و مسیرهای حمل و نقل جدید برای غلبه بر وابستگی زیرساختی جمهوری‌های پس از شوروی به روسیه بسیار مفید است، به همین دلیل است که کشورهای منطقه پروژه‌های بسیاری را ارائه می‌دهند. شرکت‌کنندگان در نمایشگاه کالاهای شورای ترک در دسامبر ۲۰۱۸ خاطر نشان کردند که سرمایه‌گذاری ترکیه در آسیای مرکزی بیش از ۸۵ میلیارد دلار است. ترکیه اخیراً در چندین پروژه بزرگ سرمایه‌گذاری کرده است، مانند ساخت بندر بین‌المللی در عشق‌آباد و بازسازی بندر بین‌المللی ترکمن‌باشی (Sahin, 2021). جنبه‌های این رابطه مبتنی بر یک سیاست برد-برد است. قدرت منطقه‌ای بودن، همراه با نشان دادن توانمندی سیاسی و اقتصادی خود به‌عنوان یکی از کشورهای گروه ۲۰، از عوامل کلیدی برای درک اینکه چرا ترکیه به روابط با کشورهای آسیای مرکزی توجه دارد، می‌باشد.

ترکیه دیگر ایالات متحده و اتحادیه اروپا را به‌عنوان شرکای مهم در آسیای مرکزی نمی‌بیند. ترکیه و روسیه برخلاف دهه ۱۹۹۰ دیگر در منطقه رقیب نیستند. در هزاره جدید، آنکارا نقش هژمونیک مسکو را پذیرفته و همکاری با آن را در آسیای مرکزی انتخاب کرده است. توانایی دو دولت برای غلبه بر بحرانی که در نوامبر ۲۰۱۵ با سرنگونی جنگنده روسی سوخو ۲۴ توسط ترکیه و نزدیک شدن روسیه و ترکیه به دنبال آن آغاز شد، این روند را تقویت کرده است. ثالثاً، آنکارا از رشد اقتصادی چین استقبال کرده است. پیش‌بینی می‌شود طرح کمربند و جاده پکن پروژه اتصال ترکیه به اوراسیا را احیا کند (Alaranta & Silvan, 2018: 5-7).

بر اساس برنامه‌های آنکارا، کریدور میانی که از گرجستان، آذربایجان و دریای خزر می‌گذرد، می‌تواند مکمل کمربند اقتصادی جاده ابریشم چین باشد. در حالی که ۹۶ درصد از کالاها (از نظر ارزش) هنوز از طریق دریا و هوا از چین به اروپا حمل می‌شود، وزارت امور خارجه ترکیه استدلال می‌کند که کریدور میانه می‌تواند زمان سفر را به ۱۵ روز کاهش دهد و در نتیجه عبور نرمی را برای کالاهای چینی فراهم کند. به همین منظور، آنکارا قصد دارد راه آهن باکو-تفلیس-قارس را که در اکتبر ۲۰۱۷ افتتاح شد، از طریق دریای خزر به قزاقستان و ترکمنستان متصل کند. بندر بین‌المللی ترکمن‌باشی ترکمنستان در دریای خزر توسط یک شرکت ترکیه‌ای با روابط نزدیک با دولت ترکیه ساخته شد و در سال ۲۰۱۸ شروع به کار کرد. دولت‌های ترکیه و چین "یادداشت تفاهم در مورد همسویی ابتکار کمربند و جاده و کریدور میانی" که در نوامبر ۲۰۱۵ در اجلاس G20 که در آنتالیا ترکیه برگزار شد، امضا کردند (Cevik & Durukan, 2018: 171-175). ابتکار طرح "یک کمربند- یک جاده" از طریق ساخت خطوط ریلی و دریایی در دو مسیر زمینی و دریایی چین را به سایر نقاط جهان نظیر اروپا، خاورمیانه، آفریقا متصل خواهد کرد. آنچه ترکیه را در سیستم جاده ابریشم جدید از سایر مناطق متمایز می‌کند، این است که ترکیه خصوصیت یک نقطه اتصالی را در منطقه داراست و از نظر استراتژیک می‌تواند به‌عنوان چهارراه ارتباطی بین قاره اروپا و آسیا بوده و فرصت‌های زیادی را از نظر اقتصادی برای چین و ترکیه فراهم کند (Chatzky & McBride, 28 Januray 2020). با توجه به طرح یک کمربند یک جاده چینی‌ها، حضور ایران در آسیای مرکزی و همچنین نقش فزاینده روسیه در تحولات کشورهای آسیای میانه، ترکیه فرصتی برای ایجاد نفوذ خود در کشورهای ترک آسیای مرکزی می‌بیند. این یک حرکت استراتژیک جذاب برای آنکارا است اما بدون خطر نیست، زیرا ترکیه مطمئناً با دیگر قدرت‌های منطقه مانند چین، روسیه و ایران روبرو خواهد شد.

در کنار عوامل فوق، چند عامل دیگری نیز حضور دارند که باعث تغییر ژئوپلیتیک منطقه آسیای مرکزی و موانع بر سر راه نفوذ ترکیه در این منطقه می‌شوند. روسیه از نقش تاریخی خود به‌عنوان هژمون منطقه‌ای برای خنثی کردن نفوذ ترکیه استفاده می‌کند. رشد چین زمینه بازی را برای تازه واردانی نظیر ترکیه بیش از پیش کاهش می‌دهد. ایران که مشتاق توسعه تجارت خود با آسیای مرکزی است، برنامه‌های ترکیه را با مشکل مواجه می‌نماید. با این حال، دو تحول باعث شد تا تغییر ژئوپلیتیک به نفع ترکیه تمام شود. یکی تعمیق اتحاد ترکیه با آذربایجان است. شکست ارمنستان در جنگ قره باغ کوهستانی در سال گذشته فرصت‌های جدیدی را برای رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه برای ایجاد نفوذ ژئوپلیتیکی در آسیای مرکزی باز کرد. حمایت نظامی قوی ترکیه از حمله آذری‌ها یک عامل تعیین کننده

بود. اکنون، ایروان باید یک کریدور در سراسر قلمرو خود، از بخش جنوبی آذربایجان تا نخجوان، یک منطقه آذری محصور در خشکی بین ارمنستان و ایران، بپذیرد. این مسیر به ترکیه امکان می‌دهد تا به دریای خزر دسترسی داشته، از وابستگی به ایران رهایی یافته و چالشی قدرتمند برای روسیه ایجاد کند. تحول دیگر، توافقنامه آبراهام با میانجیگری ایالات متحده است که موقعیت ترکیه را در خاورمیانه تضعیف کرد. اسرائیل پس از عادی‌سازی روابط خود با امارات متحده عربی و بحرین، به سمت تحولی اساسی در روابط خود با جهان عرب پیش رفت و حتی توانست روابط خود را با عربستان سعودی عادی کند. این تحولات، به چهره اردوغان که خود را حامی حقوق مسلمانان می‌داند، ضربه وارد ساخت. بنابراین او برای پاکسازی چنین تصویری مخدوش از خود، به حمایت از اخوان‌المسلمین و حماس دست زد (Hedlund, 2021).

الگو گیری کشورهای آسیای مرکزی از ترکیه: از زمان کودتای نافرجام ژوئیه ۲۰۱۶، آنکارا به ویژه دولت‌های آسیای مرکزی را تحت فشار قرار داده است تا مدارسی را که توسط سازمان گولن^۱ اداره می‌شود، ببندد، همانطور که آنکارا رسماً به این گروه اشاره می‌کند، فعالیت مدارس این شبکه را سرکوب و اعضای سطح بالا را بازداشت کرد. ازبکستان قبلاً مدارس گولنیست‌ها را در اواخر دهه ۱۹۹۰ تعطیل کرده بود و ترکمنستان در سال ۲۰۱۱ به دلیل ترس از دخالت ترکیه در امور داخلی خود و گسترش احتمالی اسلام سیاسی آن‌ها را ملی کرد. تنش با قزاقستان و قرقیزستان بر سر سرنوشت این مدارس همچنان ادامه دارد (Umarov, 2019, September). مدارس و دانشگاه‌های مشترک ترکیه در آسیای مرکزی نه تنها در ترویج ایدئولوژی پان‌ترکیسم، بلکه در ارائه آموزش اسلامی نیز نقش بسزایی داشتند. کشورهای منطقه که در مراحل اولیه از این مدارس حمایت می‌کردند، بعداً به «برنامه پنهان»^۲ تبلیغ عقاید مذهبی افراطی و نفوذ بیشتر در سطوح بالای دولتی در کشورهای مختلف مشکوک شدند. تحلیل موجود از این موضوع نشان دهنده قصد جنبش نورکو^۳ و طرفداران فتح‌الله گولن برای ترویج نسخه خود از آموزش اسلامی و قرار دادن متحدان در محافل دولتی کشورهای آسیای مرکزی است. با این حال، اعضای جنبش نورکو اقدامات تروریستی در منطقه انجام ندادند (Alexander, 2017). علاوه بر هدف ترکیه برای تقویت روابط اقتصادی، یکی از دلایل عمده علاقه این کشور به کشورهای آسیای مرکزی، ایجاد یک دولت سکولار و دموکراتیک با جمعیتی

۱ Fethullah Gulen

۲ hidden agenda

۳ Nurcu movement

عمدتاً مسلمان بود. الگوی دولت‌سازی ترکیه برای کشورهای آسیای مرکزی جذاب بود تا مدل‌های توسعه سایر کشورهای مسلمان‌نشین مانند ایران. کشورهای منطقه حتی سیستم ترکیه را برای ایجاد مجلس روحانی مسلمانان به ریاست مفتی اعظم (رهبر مذهبی) و کمیته دولتی سکولار امور مذهبی برای نظارت بر انطباق همه سازمان‌های مذهبی با قوانین و الزامات تعیین شده تکرار کردند. با شکل‌گیری مدارس و دانشگاه‌ها در کشورهای آسیای مرکزی، دولت ترکیه سعی کرد تا از آنان در جهت نیروسازی و کادرسازی در بدنه سیاسی آینده دولت استفاده کند و بدین طریق از نفوذ کشورهایی نظیر ایران برای تغییر نوع نظام‌سازی و الگوبرداری نکردن از نظام جمهوری اسلامی بهره ببرد (Balci, 2014: 5).

در این میان جنبش فتح الله گولن نیز هم برای ترکیه و هم برای کشورهای آسیای مرکزی مهم بود. ترکیه با هدف تسلط بر فعالیت‌های گولن به ویژه در دوره اردوغان به کشورهای آسیای مرکزی توجه داشت و دولت‌های این کشور نیز با احتیاط به فعالیت‌های گولن می‌نگریستند. در آن سو، طرفداران گولن نیز در نحوه گسترش ایدئولوژی مذهبی خود بسیار محتاط بودند. آن‌ها با نگرانی‌ها و شبهات موجود در رابطه با فعالیت‌های خود در منطقه توسط دولت‌های آسیای مرکزی آشنا بودند. به جای استفاده از روش تبلیغ مستقیم ایدئولوژی دینی (تبلیغ)، با مثال شخصی (تمثیل)^۱ تدریس می‌کردند (Demirtaş, 2017).

نفوذ شبکه فتح الله گولن در سطح پنج کشور مسلمان منطقه آسیای مرکزی عملاً به یکی از ابزارهای «قدرت نرم» و «دیپلماسی عمومی» ترکیه تبدیل گردید. در واقع اگر زمانی تنها «پان ترکیسم» به‌عنوان ابزار نفوذ فرهنگی و اجتماعی ترکیه در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز به شمار می‌رفت، آموزه‌های فتح الله گولن با تفسیر خاص از اسلام و سازگار با سکولاریسم حاکم بر کشورهای منطقه نیز به پان‌ترکیسم اضافه گردید و ظرفیت جدیدی را در اختیار سیاست خارجی ترکیه در سطح مناطق آسیای مرکزی و قفقاز قرار داد. گولن در سال ۱۹۹۸ سازمان «دیالوگ اوراسیا» را در ترکیه ایجاد کرد که مهم‌ترین هدف آن گسترش نفوذ فرهنگی ترکیه در مناطق مختلف دنیا از جمله آسیای مرکزی است. در نتیجه اتخاذ این سیاست، مراکز متعدد آموزشی و فرهنگی وابسته به فتح الله گولن در کشورهای آسیای مرکزی شکل گرفت. سیاست رسمی دولت ترکیه در حمایت از گسترش و توسعه شبکه آموزشی و مذهبی گولن در

۱ - جنبش گولن نوعی اخلاق اسلامی را به وجود آورده که پایه و مایه آن مساله آموزش است و بدین جهت فقط با دانش می‌توان به اسلام خدمت کرد مدارس تحت فرمان گولن، تعلیمات دینی نمی‌دهند، بلکه عمدتاً اخلاق تدریس می‌کنند. یکی از وجوه اهمیت گولن آن است که برخلاف جنبش‌های بنیادگرا نه‌تنها در برابر شکل‌گیری جامعه مدرن مقاومت نمی‌کند بلکه به شکل‌گیری آن نیز کمک می‌کند (کدیور، ۱۳۸۶).

مناطق آسیای مرکزی و قفقاز با بروز اختلافات میان مقامات حزب عدالت و توسعه به ویژه شخص اردوغان با فتح الله گولن به تدریج تغییر کرد و بعد از کودتای نافرجام در ترکیه در اوایل تابستان ۲۰۱۶ میلادی، به صورت بارز و مشخصی دچار تحول شد. در این راستا، دولت ترکیه به صورت رسمی خواستار تعطیلی و توقف کلیه فعالیت‌های آموزشی و مالی وابسته به شبکه گولن از سوی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز شده است و نحوه تقابل دولت‌های این منطقه با شبکه گولن به یک عنصر تأثیرگذار در روابط کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز با ترکیه تبدیل شده است (کوزه‌گر کالچی، ۲۰ آبان ۱۳۹۸).

نکته بسیار مهمی که در روند برخورد دولت ترکیه با شبکه فتح الله گولن در سطح مناطق آسیای مرکزی و قفقاز شایان توجه است، انجام عملیات‌های تروریستی و انتحاری از سوی شهروندان این مناطق در ترکیه است که نمونه بارز آن حمله تروریستی به فرودگاه بین‌المللی کمال آتاتورک استانبول و نیز حمله تروریستی به یک کلوپ شبانه در استانبول بود که از سوی شهروندان قرقیزستان و سایر کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز صورت گرفت. به همین دلیل، از دیدگاه مقامات سیاسی و امنیتی ترکیه، شبکه گسترده آموزشی و مذهبی فتح الله گولن در روند تقابل با دولت ترکیه می‌تواند اقدام به شناسایی، سازماندهی و اعزام شهروندان مناطق آسیای مرکزی و قفقاز به ترکیه نموده و از این طریق دولت ترکیه و شخص رجب طیب اردوغان را تحت فشار سیاسی و امنیتی قرار دهد.

یافتن مسیرهای جدید ارتباطی: ترکیه کشورهای آسیای مرکزی را شرکای استراتژیک در امور منطقه‌ای و جهانی می‌داند. در کوتاه‌مدت، استراتژی منطقه‌ای آنکارا به تمرکز بر پروژه‌های ارتباطی و انرژی تقویت شده و شورای ترک ادامه خواهد داد. برای ترکیه، مهم‌ترین تحولاتی که در آینده نزدیک باید شاهد آن بود، سرعت اصلاحات اقتصادی و سیاسی ازبکستان، مشارکت بالقوه ترکمنستان در کریدور گاز جنوبی و پروژه‌های طرح یک کمربند و یک جاده چین در منطقه، به ویژه قزاقستان خواهد بود (Köstem, 03 October 2019). ترکیه همچنین در حال کار بر روی گسترش سایر پروژه‌های زیرساختی مهم حمل و نقل در سراسر دریای خزر است. یک مسیر به قزاقستان و به سمت بندر خشک خورگاس^۱ در مرز چین باز می‌شود. دیگری جان تازه‌ای به کریدور لاجورد^۲ می‌بخشد که از ترکمنستان می‌گذرد و به افغانستان ختم می‌شود (نقشه شماره ۲). باز هم، هر دو یک چالش مستقیم برای روسیه هستند، که نقش

۱ Khorgas

۲ Lazuli Corridor

سنتی آن در منطقه با زیرساخت‌های حمل و نقل از شمال به جنوب مرتبط است. مسیر یاد شده بخش بزرگ‌تری از مسیر حمل و نقل بین‌المللی ترانس خزر^۱ است که از چین سرچشمه می‌گیرد و به اروپا ختم می‌شود. در سال ۲۰۱۳، آذربایجان، گرجستان و قزاقستان کمیته‌ای را برای هماهنگی "دالان میانی"^۲ از طریق مسیر حمل و نقل بین‌المللی ترانس خزر ایجاد کردند. این پیوند، حمل و نقل ریلی را با حمل و نقل در سراسر دریای خزر، از آکتائو در قزاقستان تا باکو در آذربایجان ترکیب می‌کند و تا گرجستان ادامه می‌یابد و با عبور از ترکیه به دریای سیاه در اروپا ختم می‌شود (Hedlund, 9 April 2021).

براساس پروژه لاجورد، شهر تورغندی در استان هرات افغانستان با خطوط راه‌آهن و بزرگراه‌ها به عشق‌آباد پایتخت ترکمنستان و سپس بندر ترکمن‌باشی متصل خواهد شد. این کریدور بعد از آن تا باکو، تفلیس و آنکارا و سپس استانبول ترکیه ادامه می‌یابد. آنکارا با تکیه بر اهداف خود برای تشکیل اتحادیه کشورهای ترک‌زبان، با شعار اتصال این کشورها از ارومچی چین تا استانبول، «طرح راه لاجورد» را مطرح کرده است که در آن با اتصال بنادر ترکمن‌باشی ترکمنستان و آکتائو قزاقستان به بندر باکو، مسیر جاده‌ای ایران حذف شود. به عبارت دیگر، طرح راه لاجورد، طرح دور زدن ایران به‌عنوان بهترین و کوتاه‌ترین و به صرفه‌ترین مسیر تجارت از شرق به غرب از سوی کشورهای همسایه شمالی ایران است تا ترکیه بتواند به اهداف تاریخی خود در این منطقه دست یابد (بهجتی، ۱۳۹۹).

نقشه شماره ۲) کریدور لاجورد



Source: GISreportsonline.com

۱ Trans-Caspian International Transport Route (TITR)

۲ Middle Corridor

آنکارا در سال ۲۰۱۸ با انگیزه تکمیل راه آهن باکو - تفلیس - قارص در اکتبر ۲۰۱۷ به این پروژه پیوست. طرح فعلی این است که کریدور نخجوان رونق بیشتری را به همراه خواهد داشت و نقش ترکیه را در اجرای طرح کمر بند و جاده چین افزایش می‌دهد. روسیه با این طرح مخالف است. در حقیقت نخجوان درب ورودی جهان ترک به حساب می‌آید؛ چرا که خطوط لوله نفت خام «باکو-تفلیس-جیحان»، خطوط لوله گاز طبیعی «باکو-تفلیس-ارزروم»، «خطوط لوله گاز طبیعی ترانس آناتولی» و «خطوط لوله گاز طبیعی ترانس آدریاتیک» طرح‌هایی است که به پیوند عمیق برادری جمهوری آذربایجان و ترکیه تبدیل شده است (Ariel Bittner & Ibrahimli, 2018: 9-12).

همچنین، قرارداد احداث خطوط لوله گاز طبیعی ترکیه به نخجوان در اکتبر ۲۰۲۰ میلادی امضا شد. از طرفی تأمین انرژی امن و پایدار از دغدغه‌های آنکارا و باکو به‌عنوان دو بازیگر مرتبط با چین، روسیه، ترکمنستان، گرجستان و ایران محسوب می‌شود، چرا که خطوط لوله گاز طبیعی که قرار است از ایغدیر ترکیه به خطوط لوله نخجوان متصل شود، ۸۵ کیلومتر طول دارد و روزانه ۱,۵ میلیون متر مکعب گاز طبیعی و سالانه ۵۰۰ میلیون متر مکعب گاز طبیعی به نخجوان منتقل خواهد کرد. از طریق این کریدور، نیازهای گاز طبیعی نخجوان به طور کامل و امن تأمین خواهد شد. ترکیه از طریق نخجوان به قفقاز و آسیای میانه متصل می‌شود و از یک سوی دیگر نخجوان و آذربایجان را به اروپا وصل می‌کند. بدین ترتیب اهمیت تجاری و لجستیک ترکیه در این مناطق افزایش می‌یابد. با راه‌اندازی این کریدور و حمایت روسیه و چین برای انتقال کریدورها و خطوط آهن از طریق ترکیه، آنکارا ترمینال و هاب انرژی در مدیترانه را از چنگ تل آویو در خواهد آورد (صولت، ۱۳۹۹).

تنوع بخشیدن به منابع انرژی: حفاظت از منافع اقتصادی عمیق‌تر ممکن است به عامل مهمی در شکل‌دهی رویکرد آنکارا به منطقه تبدیل شود. از یک سو، حساسیت نسبت به ریسک‌های سرمایه‌گذاری می‌تواند منجر به توجه بیشتر و مشارکت مستقیم در موضوعات سیاست داخلی و ثبات شود. از سوی دیگر، حفظ روابط دیپلماتیک سالم با دولت‌های آسیای مرکزی ممکن است به‌عنوان عمل‌گرایانه‌ترین و مؤثرترین ابزار مدیریت ریسک در نظر گرفته شود که مشارکت در مسائل حساس داخلی را کاملاً غیرمجاز می‌کند. شرکت‌های ترکیه‌ای بر اقتصاد منطقه تسلط نداشته‌اند و فعالیت‌های آن‌ها بیشتر از سایر شرکت‌ها قابل توجه نیست (Efegil, 2008: 66).

دسترسی ترکیه به آسیای مرکزی نیز به دلیل نیازهای انرژی این کشور است. اگرچه آنکارا در سال ۲۰۲۰ کشفیات گازی بزرگ در دریای سیاه را اعلام کرد، اما این کشور همچنان تا حد زیادی به منابع انرژی خارجی وابسته است. از این رو، یافتن منابع جدید انرژی و حصول اطمینان از اینکه نه روسیه و نه ایران انحصار کریدورهای حمل و نقل انرژی را ندارند، یک نگرانی ژئوپلیتیکی بزرگ برای ترکیه است. آنکارا با یک اقتصاد در حال شکوفایی که بیش از حد متکی به تعدادی منتخب از تأمین‌کنندگان انرژی به ویژه از روسیه است، مشتاق است تا تأمین‌کنندگان خود را از جمله آسیای مرکزی متنوع کند. آنکارا به دنبال میانجیگری در مناقشات بر سر میادین نفت و گاز در دریای خزر بین ترکمنستان و آذربایجان است که آذربایجان از طریق خط لوله ۱۷۰۰ کیلومتری نفت باکو-تفلیس-جیهان و خط لوله موازی گاز باکو-تفلیس-ارزروم مستقیماً به ترکیه مرتبط است. ترکیه همچنان به ایجاد یک خط لوله گاز ترانس خزر امیدوار است که بتواند به این کریدور انرژی از ترکمنستان و قزاقستان اضافه کند. ایجاد چنین پیوندهایی به چشم‌انداز ترکیه کمک زیادی خواهد کرد و در نتیجه اهمیت جهانی آن را تقویت می‌نماید. در واقع، در سال ۲۰۰۷ حزب عدالت و توسعه پیشنهاد کرد که نهادی مانند سازمان کشورهای صادرکننده نفت، اما متمرکز بر تأمین‌کنندگان گاز منطقه‌ای، باید بین ترکیه و کشورهای آسیای مرکزی ایجاد شود (Lmahamad, 2022).

در کنار آن، فوری‌ترین بازدهی که آنکارا از اتحاد خود با آذربایجان خواهد گرفت در زمینه انرژی است، جایی که بهبود دسترسی به ذخایر گازی در ترکمنستان ممکن است به تقویت موقعیت ترکیه به‌عنوان یک قطب انرژی منطقه‌ای کمک کند. پس از سه دهه کشمکش، سرانجام در اواسط ژانویه باکو و عشق‌آباد بر سر توسعه مشترک یک میدان نفتی در دریای خزر به توافق رسیدند. اگرچه میدان جدید به خودی خود اهمیت زیادی نخواهد داشت، اما این همکاری می‌تواند مسیری را برای گاز ترکمنستان به سمت بازارهای اروپایی باز کند. محور اصلی این مفهوم، خط لوله ترانس خزر است. این پروژه، گاز را از ترکمنستان به آذربایجان و سپس به کریدور گاز جنوبی که از طریق ترکیه به اروپای جنوب شرقی می‌گذرد، پمپاژ می‌کند. این خط لوله نشان می‌دهد که چگونه ژئوپلیتیک منطقه‌ای به نفع ترکیه تغییر می‌کند. چرا که کشورهای غربی نیز برای رهایی و دور زدن روسیه از این خط لوله حمایت می‌کنند و در این میان، نقش ترکیه بسیار حائز اهمیت است (Fuhrmann, 2019: 2-4).

تأمین امنیت: ترکیه امروز «نگرانی‌های خاصی در مورد عوامل بی‌ثبات‌کننده مانند جنبش‌های افراطی، قاچاق مواد مخدر و اسلحه، و فعالیت‌های تروریستی در جمهوری‌های

آسیای مرکزی دارد. به این ترتیب، دولت در کنار کمک به ظرفیت توسعه، کمک مالی و آموزش نظامی به این کشورها ارائه می‌نماید. روابط دوجانبه نظامی ترکیه با کشورهای آسیای مرکزی تنها به اوایل دهه ۲۰۰۰ باز می‌گردد، که ترکیه تجهیزات و مستشاران نظامی را به کشورهای قرقیزستان و ازبکستان گسیل داشت تا نیروهای خود را برای نبرد با شورش‌های داخلی‌شان آماده نمایند. ترکیه همچنین با نیروهای ویژه هر دو کشور در آموزش همکاری نزدیک داشت. از سال ۱۹۹۹، ترکیه میزبان مرکز آموزش مشارکت ناتو برای صلح در آنکارا بوده است، جایی که پرسنل نظامی از کشورهای مختلف آسیای مرکزی در چند نوبت در دوره‌های آموزشی شرکت کرده‌اند. ترکیه در سال ۲۰۱۲ موافقت کرد که برای مبارزه با تروریسم، قاچاق مواد مخدر، مهاجرت غیرقانونی و تقویت بخش دفاعی و امنیتی به قرقیزستان کمک نظامی کند. در سال ۲۰۱۳ ترکیه همچنین پیشنهاد کرد که به قرقیزستان کمک می‌کند تا پایگاه نظامی ناتو ماناس را به یک فرودگاه تجاری تبدیل کند. بودجه کمک‌های ترکیه برنامه‌های آموزشی پلیس را برای قرقیزستان، ازبکستان و قزاقستان تأمین مالی کرده است. (Murphy & Sazak: 2013: 1).

ترکیه از سال ۱۹۹۳ با کشورهای ترک زبان اتحاد جماهیر شوروی سابق در زمینه‌های نظامی و فنی مانند: آموزش افسران، پشتیبانی مادی و فنی، فروش تسلیحات، تمرینات و تولیدات نظامی مشترک همکاری نزدیکی داشته است. در مرحله اول همکاری بین ترکیه و کشورهای ترک زبان آسیای مرکزی هدف توسعه روابط در زمینه آموزش نظامی بود (Murzaeva, 2014: 4). قراردادهای امضا شده بین ترکیه و چهار کشور (قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان) در دهه ۱۹۹۰، بهبود اهداف زیر را در نظر گرفته است:

ارتقای صلاحیت حرفه‌ای پرسنل نظامی در بسیاری از مؤسسات آموزشی نظامی ترکیه؛ بازدید متقابل سربازان، حضور داشتن ناظر در تمرینات نظامی؛ همکاری در زمینه تبادل اطلاعات و مشاوره در زمینه فناوری نظامی، پزشکی نظامی و فناوری نظامی؛ همکاری در زمینه صنایع نظامی، تعمیر و نگهداری متقابل، تأمین و تعمیر تجهیزات نظامی مازاد، و همچنین توسعه برنامه‌های آموزشی برای کارکنان ستاد و متخصصان پشتیبانی نظامی (Kostyukhin, 2009). از دیگر انواع همکاری با کشورهای ترک زبان تا سال ۲۰۰۰، وزارت دفاع قرقیزستان و نیروهای مسلح ترکیه پروتکل آموزش واحدهای عملیات ویژه را امضا کردند. بین سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۴، در مجموع ۳۳۹ سرباز قرقیزستان آموزش مناسب را دریافت کردند. پلیس ترکیه همچنین با برگزاری دوره‌های آموزشی هفت هفته‌ای به شرکای قرقیزستانی خود روش‌های مبارزه با جرم و جنایت را آموزش می‌دهند. این دوره‌ها برای سربازان وزارت امور

داخلی قرقیزستان و نیروهای داخلی خدمات مرزی است. در پزشکی نظامی نیز همکاری وجود دارد که در چارچوب آن ترکیه علاوه بر آموزش متخصصان، از قرقیزستان با تجهیزات پزشکی و داروها حمایت کرد (Akmatbekovich, 2018). ترکیه علاوه بر افزایش همکاری‌های اقتصادی، خواهان تقویت روابط نظامی خود با کشورهای آسیای مرکزی است. امروز، ایده تأسیس ارتش توران - یک بلوک نظامی شامل کشورهای ترک - به طور گسترده مورد بحث قرار گرفته است. در سال ۲۰۱۳، اولین گام‌ها در این راستا پس از تأسیس سازمان مجری قانون اوراسیا با وضعیت نظامی^۱ که شامل ترکیه، آذربایجان، قرقیزستان و مغولستان است، برداشته شد. قزاقستان نیز تمایل خود را برای پیوستن به این سازمان ابراز کرده است. هدف این سازمان توسعه همکاری بین سازمان‌های مجری قانون نظامی کشورهای عضو آن، مبارزه با جرایم سازمان‌یافته، تروریسم و قاچاق در قفقاز و آسیای مرکزی است. با این حال، سازمان مذکور هیچ موفقیت قابل توجهی به دست نیاورده است، اگرچه این اولین تلاش برای ایجاد یک نمونه اولیه سازمان نظامی بود که پتانسیل تبدیل شدن به بستری برای ارتباط بین کلیه سازمان‌های مجری قانون، نظامی و امنیتی منطقه با آنکارا در رأس آن را داشت (Kudayarov, 2019: 4-6).

گفتگوها در مورد تقویت همکاری نظامی میان ترکیه و کشورهای آسیای مرکزی پس از شروع مناقشه قره باغ در سال ۲۰۲۰ آغاز شد. در جریان این سفر، ترکیه و ازبکستان توافقنامه همکاری نظامی و نظامی-فنی امضا کردند و شراکت راهبردی ترکیه و قزاقستان نیز مورد بحث قرار گرفت. کارشناسان این تور کوچک را شروع پروژه‌ای برای ایجاد ارتش یکپارچه ترکان دانستند. پس از دیدار مولود چاووش اوغلو وزیر امور خارجه ترکیه از ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان در مارس ۲۰۲۱، صحبت‌ها در مورد "ارتش توران" بار دیگر در صدر قرار گرفت. ایجاد یک بلوک نظامی و سیاسی به رهبری آنکارا ممکن است جایگاه ترکیه را در رقابت برای رهبری منطقه‌ای تقویت کند. با این حال، تعدادی از عوامل وجود دارد که ممکن است با وجود ماهیت جاه‌طلبانه این پروژه، برنامه‌های ترکیه را از مسیر خارج کند. اول اینکه، سایر نیروهای با نفوذ در آسیای مرکزی (روسیه، چین و ایران) ممکن است ایجاد ارتش توران را تهدیدی برای امنیت خود بدانند. دوم، باید در نظر داشت که قزاقستان و قرقیزستان اعضای سازمان پیمان امنیت جمعی^۲ هستند، در حالی که ترکیه یکی از اعضای ناتو است. اگر این کشورها به یک بلوک جدید بپیوندند، این سؤال اجتناب‌ناپذیر مطرح خواهد شد که وضعیت آن‌ها در اتحادیه‌های سنتی آن‌ها چگونه خواهد بود و آیا آن‌ها اصلاً موقعیتی را حفظ خواهند کرد.

1- Eurasian Law Enforcement Agencies with Military Status (TAKM)

۲ - Collective Security Treaty Organization (CSTO)

درنهایت، قبل از ایجاد ارتش توران، ترکیه باید در زمینه‌های دیگر همکاری با کشورهای آسیای مرکزی به پیشرفت بیشتری دست یابد. علاوه بر این، فقدان سطح مناسبی از منابع - به معنای وسیع - مانع بزرگی برای ادغام نظامی است (Simavoryan, 2021).

تجزیه و تحلیل داده‌ها

تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی باعث شد تا ترکیه در اندیشه ورود به آسیای مرکزی به‌عنوان کنشگری فعال و بازیگری مهم باشد. این توالی تحولات که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی آغاز گشت، به مرور بر ذهن و عرصه تصمیم‌گیری متولیان سیاست خارجی ترکیه تأثیر عمیقی بر جای گذاشت. استقلال کشورهای آسیای مرکزی از امپراتوری شوروی به چند جهت برای ترکیه مهم شد؛ خلاء نظام سیاسی به وجود آمده و تشکیل یک نظام سیاسی منسجم و کارآمد، اقتصاد از هم پاشیده و نامناسب کشورهای منطقه و همچنین حضور دولت‌ها و بازیگران همسایه در این منطقه، ترکیه را به تکاپو واداشت. از سوی دیگر، کشورهای آسیای مرکزی نیز به فکر استحکام و نظم بخشیدن به اوضاع نابه‌سامان خود بودند و از هر کمک خارجی حمایت می‌نمودند. حضور کشورهایی نظیر روسیه پساشوروی، چین کمونیستی و ایران اسلامی منجر به رقابت ترکیه با آنان شد. از سوی دیگر، حمایت غرب به ویژه آمریکا از ترکیه به منظور تأثیرگذاری و الگو شدن برای کشورهای آسیای مرکزی، ترکیه را به فکر حضور در این منطقه کرد. در کنار این عوامل؛ دولت ترکیه با در پیش گرفتن ابزار دیپلماسی اقتصادی با کشورهای آسیای مرکزی به دنبال اهداف دیگری نیز است. در جدول زیر حجم تجارت خارجی ترکیه با کشورهای مختلف را مشاهده می‌کنیم که در این بین، کشورهای آسیای مرکزی بعد از اتحادیه اروپا، بیشترین حجم را به خود اختصاص داده و نشان می‌دهد که چرا پنج کشور مذکور برای ترکیه دارای اهمیت است.

جدول شماره ۱) افزایش حجم تجارت ترکیه با کشورهای مختلف جهان (بر مبنای میلیون دلار)

ترکیه	۲۰۰۰				۲۰۱۰				۲۰۲۰			
	صادرات	واردات	کل	درصد	صادرات	واردات	کل	درصد	صادرات	واردات	کل	درصد
اتحادیه اروپا	۷۶۰۰	۱۰/۰۴۹	۱۷/۶۴۹	۲۷	۱۸/۴۵۸	۲۳/۳۳۱	۴۱/۷۷۹	۴۸	۵۹/۳۰۱	۸۷/۴۴۸	۱۴۶/۴۶۹	۳۸
آمریکا	۸۶۵	۲/۶۰۰	۳/۴۵۶	۹	۳/۳۵۶	۳/۰۹۹	۶/۴۵۵	۷	۵/۶۰۴	۱۴/۱۳۰	۱۹/۷۳۴	۵
آسیای مرکزی	۱/۸۶۶	۲/۱۶۲	۴/۰۲۸	۱۱	۳/۹۹۸	۷/۰۸	۱۱/۸۰۶	۱۳	۳۹/۳۹۸	۵۳/۳۸۶	۹۲/۷۸۶	۲۴
خاورمیانه	۲/۳۱۶	۳/۱۲۶	۵/۴۴۲	۱۵	۳/۵۰۴	۲/۴۳۲	۵/۹۳۶	۷	۴/۶۶۵	۲۲/۴۸۷	۲۸/۱۵۲	۱۸
اسرائیل	۹۰	۹۷	۱۸۷	۲	۸۶۱	۵۴۴	۱/۴۰۵	۲	۲/۳۳۰	۱/۱۷۰	۴/۰۴۰	۱
حوزه پانسفیک	۱/۳۴۵	۴/۲۵۲	۵/۴۹۷	۱۵	۴/۳۲۹	۵/۷۴۸	۹/۹۷۷	۱۱	۸/۸۱۲	۲۲/۶۹۴	۳۲/۵۰۶	۸
کره جنوبی	۱۹۱	۳۳۳	۵۶۴	۲	۵۵	۹۰۰	۹۵۵	۱	۵۲۸	۵/۶۶۰	۶/۱۸۸	۶
چین	۱۴۷	۱۷۲	۳۱۹	۱	۵۵	۹۰۰	۹۵۵	۱	۵۲۸	۵/۶۶۰	۶/۱۸۸	۶
آفریقا	۱۴۶	۳۳۳	۳۷۹	۱	۴۳۰	۳۸۱	۸۱۱	۱	۳/۹۱۳	۲/۶۱۳	۶/۵۲۶	۲
سایر	۱/۹۴۳	۲/۹۱۵	۴/۸۵۸	۱۳	۵/۴۴۷	۱۰/۶۰۰	۱۶/۰۴۷	۱۸	۱۶/۶۱۳	۳۹/۶۶۴	۵۶/۵۷۷	۲۲
کل	۱۴/۷۱۵	۲۲/۸۷۱	۳۷/۵۸۶	۱۰۰	۳۶/۰۵۹	۵۱/۵۵۴	۸۷/۶۱۳	۱۰۰	۱۵۲/۴۶۹	۲۲۶/۵۴۵	۳۸۹/۰۱۴	۱۰۰

Source: Turkish Statistical Institute, 2020.

نتیجه

امروزه ترکیه خود را به‌عنوان یک رهبر به‌طور همزمان در چندین منطقه از جمله «جهان ترک» قرار می‌دهد و از این طریق بر اهمیت جهانی این کشور به‌عنوان یک مرکز قدرت در حال ظهور در نظام بین‌المللی چند قطبی تأکید می‌کند و در این راستا، سیاست‌های خود را در آسیای مرکزی تبیین می‌کند. ترکیه، برای تعمیق نفوذ گسترش خود در آسیای مرکزی و عقب‌نماندن از کشورهایی نظیر ایران که دارای پیوندهای گوناگونی با کشورهای آسیای مرکزی است، از ابزار دیپلماسی اقتصادی به دلیل سهولت در پذیرش آن و سازگاری با وضعیت کشورهای مذکور بهره برد. این امر به ترکیه کمک کرد تا در پوشش دیپلماسی اقتصادی و گره خوردن اقتصاد کشورهای آسیای مرکزی به ترکیه، اهداف دیگری از جمله سیاسی، امنیتی و فرهنگی را پیش ببرد.

این تحولات نشان می‌دهد که علی‌رغم افزایش فعالیت‌های سیاسی ترکیه در آسیای مرکزی، برنامه‌های بلندپروازانه این کشور و زمینه افزایش نفوذ خود در منطقه، در درازمدت تا حد زیادی دور از ذهن و غیرقابل قبول به نظر می‌رسند. با این حال، این امر اهمیت فزاینده ترکیه برای آسیای مرکزی را از نظر ایجاد استراتژی برای اشخاص ثالث (روسیه، چین و غیره) نافی نمی‌کند. شرط اصلی تحولات مثبت برای ترکیه، تقویت همکاری‌های اقتصادی این کشور با

سایر کشورهای منطقه است که نه تنها مکمل فعالیت‌های فرهنگی و بشردوستانه ترکیه است، بلکه به‌عنوان زیربنای نفوذ این کشور در منطقه نیز عمل می‌کند. این کشور، به دنبال دستیابی به یک نوع همکاری اقتصادی ساختاریافته و ساختار رفتاری در منطقه آسیای مرکزی است که بر اساس الگوی اقتصادی خویش، ضمن پیوند و گره زدن اقتصاد کشورهای آسیای مرکزی به خود، زمینه مناسبی برای جذب کالاهای صادراتی آن‌ها در منطقه فراهم سازد و همچنین به اهداف سیاسی و نظامی‌اش نائل گردد. این اهداف به دلیل بافت منطقه و حضور بلندمدت روسیه در آن، به راحتی قابل اجرا نیست، بلکه ترکیه با درک واقعیت‌های موجود، درصدد همکاری با آنان در زمینه اقتصادی است.

ترکیه توانسته است در پوشش دیپلماسی اقتصادی اهداف فرهنگی، سیاسی، امنیتی و نظامی خود را به نحو مطلوبی پیگیری نماید. در واقع دیپلماسی اقتصادی همانند ابزاری کلیدی در خدمت سیاست خارجی رهبران ترکیه قرار گرفت تا ضمن استفاده از موقعیت ژئوپلیتیکی خویش، خود را از یک بازیگر معمولی به یک بازیگر مؤثر و فعال تبدیل نماید. برای تحقق چنین هدفی، دولت از شرکت‌های خصوصی و نخبگان تجاری و اقتصادی کمک گرفت تا با مشارکت در طرح‌های عمرانی و اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی، این کشورها را به خود وابسته کند. تشکیل شورای کشورهای ترک‌زبان و جلوگیری از گسترش نفوذ فتح‌الله گولن از اهداف فرهنگی ترکیه از حضور در کشورهای آسیای مرکزی است. این کشور به لحاظ سیاسی با کشورهای نظیر روسیه و ایران رقابت داشته و به فکر ارتقای موقعیت و جایگاه منطقه‌ای خود است. از نظر امنیتی، در پوشش دیپلماسی اقتصادی درصدد جلوگیری و ممانعت از ورود اشخاص و گروه‌های افراطی و تروریستی به خاک خود و برهم زدن امنیت کشورهای آسیای مرکزی است. همچنین تأمین انرژی سرشار در کشورهای آسیای مرکزی و تنوع بخشیدن به آن از دیگر اهداف ترکیه است. همکاری‌های نظامی و بستن قراردادهای ناشی از آن، ترکیه را در موقعیت ممتازی قرار داده است.

منابع و مأخذ

فارسی

- ارکان، مانده (۱۳۹۸)، اهداف و چالش‌های شورای همکاری کشورهای ترک زبان، بازبایی شده در تاریخ ۱۵ خرداد ۱۴۰۱، <https://peace-ipsc.org/fa/%D8%A7%D9%87%D8%AF%D8%A7%D9%81-%D9%88-%DA%86%D8%A7%D9%84%D8%B4-%D9%87%D8%A7%D9%8A-%D8%B4%D9%88%D8%B1%D8%A7%DB%8C->

- %D9%87%D9%85%DA%A9%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%DA%A9%D8%B4%D9%88%D8%B1%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%AA
- بهجتی، یدالله (۱۳۹۹)، اهداف پیدا و پنهان راه لاجورد، خبرگزاری جمهوری اسلامی، بازیابی شده در تاریخ ۱۸ فروردین ۱۴۰۱. <https://www.irna.ir/news/83752395>.
- پاک‌آیین، محسن (۱۴۰۰)، آیا کشورهای ترک، متحد می‌شوند؟ بازیابی شده در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۱. <http://irdiplomacy.ir/fa/news/2008084/%D8%A2%DB%8C%D8%A7-%DA%A9%D8%B4%D9%88%D8%B1%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%AA%D9%8F%D8%B1%DA%A9-%D9%85%D8%AA%D8%AD%D8%AF-%D9%85%DB%8C-%D8%B4%D9%88%D9%86%D8%AF->
- حشمتی، برهان (۱۴۰۱)، جهش بزرگ ترکیه در ترک سازی جمهوری آذربایجان!! بازیابی شده در تاریخ ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۱. <https://fa.alalam.ir/news/5896393>.
- صولت، رضا (۱۳۹۹)، کریدور نخجوان_آذربایجان؛ هاب انرژی مدیترانه در استان ترکیه، خبرگزاری بازار، بازیابی شده در تاریخ ۱۵ فروردین ۱۴۰۱. <https://www.tahlilbazaar.com/news/64127>.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۷)، تاملی بر تکلیک «ردیابی فرآیند» در مطالعات انقلاب اسلامی ایران، پژوهشنامه متین، سال یازدهم، شماره چهل، صص ۹۱ تا ۱۱۷.
- کدیور، محمد علی (۱۳۸۶)، جنبش آموزشی فتح‌الله گولن در ترکیه، ماهنامه شهروند، شماره ۹، صص ۱ تا ۵.
- کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۸)، مروری بر شبکه مالی و آموزشی فتح‌الله گولن در آسیای مرکزی، مؤسسه مطالعات راهبردی شرق، بازیابی شده در تاریخ ۱ فروردین ۱۴۰۱. <https://www.iess.ir/fa/note/2112/>.

لاتین

- Akmatbekovich K. K (2018), Turkish policy in Kyrgyzstan and its influence on foreign policy. Moscow: Russian Academy of Sciences.
- Alaranta, Toni & Silvan, Kristiina (2022), "Turkey in Central Asia Possibilities and Limits of a Greater Role," Finnish Institute of International Affairs. Pp 1-7.
- Alexander, Paul (2017), Turkey on Diplomatic Push to Close Schools Linked to Influential Cleric. // VOA news, <https://www.voanews.com/europe/turkey-diplomatic-push-close-schools-linked-influential-cleric>.
- Ariel Bittner, Victoria & Ibrahimli, Minavvar (2018), Baku-Tbilisi-Kars: Regional Implications and Perspectives, Baku: CESD Press, Center for Economic and Social Development. Pp 1-28.
- Avdaliani, Emil (2021), Turkey's Return to Central Asia, Royal United Services Institute,
- Balci, Bayram (2014), "The AKP/Gülen Crisis in Turkey: Consequences for Central Asia and the Caucasus," Central Asia Policy Brief, the George Washington University, no.16. Pp 1-6.
- Bergeijk, Peter A.G. van & Moons, Selwyn J.V. (2013), Research Handbook on Economic Diplomacy: Bilateral Relations in a Context of Geopolitical Change, Edward Elgar Publishing.
- Berridge, G. and James, A. (2003) A Dictionary of Diplomacy Palgrave Macmillan London.

- Cevik, Veli Ahmet & Durukan, Tülin (2018), Turkey's Position in the Belt and Road Projects- Kuşak ve Yol Projesi'nde Türkiye'nin Konumu, Kiev: International Congress of Business, Economics and Marketing.
- Chatzky, Andrew & McBride, James (2020), China's Massive Belt and Road Initiative,"Council on Foreign Relations. <https://www.cfr.org/backgrounder/chinas-massive-belt-and-road-initiative>.
- Demirtaş, Serkan (2017) Turkish intelligence agency report describes massive global Gülenist organization. Hurriyet Daily News, 29 May 2017. <http://www.hurriyetdailynews.com/113634>.
- Duarte, Paulo (2016), Turkey vis-à-vis Central Asia: a geostrategic assessment, <https://dergipark.org.tr/tr/download/article-file/19342>.
- Efeğil, Ertan & Stone, Leonard (2001), Iran's interests in Central Asia: A contemporary assessment,"Central Asian Survey 20(3). Pp353-365.
- Fuhrmann, Michael (2019), European Union Keen on Trans-Caspian Pipeline development - Improvement of Relations With Russia and Turkey A Key Hurdle", Mitsui & Co. Global Strategic Studies Institute Monthly Report. Pp 1-6.
- Galston, William. A. (2010) Realism in Political Theory,"European Journal of Political Theory 9 (4): 385-411.
- Gurcan, Metin (2021), Erdogan envisions alliance of Turkic-speaking states, <https://www.al-monitor.com/originals/2021/11/erdogan-envisions-alliance-turkic-speaking-states>.
- Guzzini, Stefano (2013), Power, realism and constructivism, Abingdon: Routledge.
- Guzzini, Stefano (2017), Realist Theories and Practice, Copenhagen, Danish Institute for International Studies.
- Hedlund, Stefan (2021), Turkey's push for greater influence in Central Asia, published by Geopolitical Intelligence Services AG, <https://www.gisreportsonline.com/r/turkey-central-asia/>.
- Kınık, Hülya & Çelik, Sinem (2021), The Role of Turkish Drones in Azerbaijan's Increasing Military Effectiveness: An Assessment of the Second Nagorno-Karabakh War,"Insight Turkey Fall, Volume 23 Number 4, pp.169-191.
- Köstem, Seçkin (2019), The Power of the Quiet? Turkey's Central Asia Strategy, Italian Institute for International Political Studies, <https://www.ispionline.it/24069>.
- Kostyukhin, A.A (2009), International military cooperation of Central Asian states,"East View Publications, Vol. 18, Issue 3, July - September. Pp. 1-30.
- Kramer, Mark (1999) Ideology and the Cold War,"Review of International Studies 25, 4, pp. 539-576.
- Kudayarov, Kanybek (2019), The Approach of Kyrgyzstan to the idea of Eurasian integration, <https://www.academia.edu/39764361>.
- Lee, Donna & Hocking, Brian (2010) Economic Diplomacy," The International Studies Encyclopedia, Wiley-Blackwell, Chichester: Pp 1216-1227.
- Lee, Donna & Hudson, David (2004) The Old and New Significance of Political Economy in Diplomacy, Cambridge University Press.
- Lmahamad, Ayya (2022), Azerbaijan, Georgia, Turkey set to ensure strategic railway's full work, AzerNews, <https://www.azernews.az/business/183555.html>.

- Lukyanov, Grigory & Kulieva, Nubara & Mironov, Artemy (2022), Turkey's Policy in Central Asia: Are Ambitions Well-Founded? Russian International Affairs Council (RIAC), <https://russiancouncil.ru/en/analytics-and-comments/analytics/turkey-s-policy-in-central-asia-are-ambitions-well-founded/>.
- Murphy, Teri, & Onur Sazak (2013) Turkey's Civilian Capacity in Post-Conflict Reconstruction. Istanbul: Istanbul Policy Center. <https://research.sabanciuniv.edu/21550/1/IPM-Turkish-CivCap.pdf>.
- Murzaeva, Dinara (2014), 'Kyrgyzstan-Turkey Relations: Cooperation in Political and Educational Spheres,' *Review of European Studies*, Vol. 6, No. 3. pp 39-54.
- Osiewicz, Przemyslaw (2021) *Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran: Between Ideology and Pragmatism*. New York: Routledge Taylor and Francis.
- Rahimi, Omid and Ali Heydari (2020) How Iran and Turkey Compete in Central Asian Trade, Retrieved from <https://thediplomat.com/2020/02/> Accessed on 16.01.2021. <https://thediplomat.com/2020/02/how-iran-and-turkey-complete-in-central-asian-trade/>
- Sahin, Tuba (2021), Turkey's TAV takes over operations at Almaty Airport, Anadolu Agency, <https://www.aa.com.tr/en/economy/turkeys-tav-takes-over-operations-at-almaty-airport/2225673>.
- Simavoryan, Arestakes (2021), Turkey's Military-Technical Cooperation With the Turkic Nations, Analytical Research Center, (November 19, 2019). Publisher: Orbeli Center. DOI:10.5281/zenodo.5730933, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=4102409> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4102409>.
- Tol, Gönül (2022), fragile promise: The prospects for Turkish-Armenian normalization, Middle East Institute, <https://www.mei.edu/publications/fragile-promise-prospects-turkish-armenian-normalization>.
- Trenin, Dmitri (2002), *The End of EURASIA: Russia on the Border Between Geopolitics and Globalization*, Carnegie Moscow Center.
- Umarov, Akram (2019), Turkey's Religious Outreach in Central Asia, *European Eye on Radicalization*, <https://eeradicalization.com/turkeys-religious-outreach-in-central-asia/>.
- Werner, Richard (2010), *Ethical Realism*, University of Chicago. <https://rusi.org/explore-our-research/publications/commentary/turkeys-return-central-asia>.